

از آغوش رسول خدا(ص) تا قربانگاه کربلا

شریعه

محمد جواد علیپورا فرزند رسول خدا باشی و آن حضرت تو را پاره تن خود بخواند، آن گاه با چنین سختی ها و مرارت هایی مواجه شوی، حوادثی که در طول تاریخ بشر برای کمتر کسی به وقوع پیوسته است. از ولادت سرورسالار شهیدان گفتیم و خاطرات خوب آن حضرت در آغوش رسول خدا(ص) و حضرت علی(ع) و مادرشان فاطمه زهرا(ص)، اما به ناگاه ورق روزگار با رحلت رسول خدا برگشت و شهادت مادر و پدر و برادر گران قدر سیدالشهدا(ع) این سختی ها را صد چندان کرد. امام حسین و حضرت زینب، در شرایطی بحرانی قرار گرفتند. ایشان به خوبی می دانستند که بیعت با یزید، به معنی تأیید ظلم، فساد و نابودی اساس اسلام است. بنابراین آنان تصمیمی سرنوشت ساز گرفتند.

در شب بیست و هشتم رجب سال ۶۰ هجری، این خواهر و برادر تاریخ ساز به همراه خانواده و یاران وفادارشان، مدینه، شهر پیامبر(ص)، را به قصد مکه ترک کردند. این سفر، نه فرار که آغاز حرکتی بزرگ و آگاهانه بود، حرکتی که تاریخ اسلام را برای همیشه دگرگون ساخت. در پناه خانه خدا، مکه، هزاران نامه از سوی مردم کوفه به دست سیدالشهدا(ع) و خواهر بزرگوارشان رسید. کوفیان از ایشان دعوت کردند تا به عراق بیایند و رهبری آنان را برعهده بگیرند.

امام حسین(ع) که با روحیه ناپایدار مردم کوفه آشنا بودند، ابتدا پسرعموی وفادارشان، مسلم بن عقیل، را به آنجا فرستادند تا وضعیت را بررسی کند. مسلم در ابتدا با استقبال پرشور مردم مواجه شد و برای امام نامه های امیدوارکننده فرستاد. اما خیانت کوفیان و حکومت وحشت آفرین عبید... بن زیاد، به سرعت فضا را تغییر داد و منجر به شهادت غم انگیز مسلم و هانی بن عروه شد. امام حسین(ع) و حضرت زینب(ص)، با وجود آگاهی کامل از خطر مرگبار پیش رو و با علم به شهادت مسلم، تصمیم خود را گرفتند و راهی کوفه شدند.

در راه کوفه، در سرزمین گرم و بی آب کربلا، لشکر حربن یزید ریاحی راه را بر کاروان آن بزرگواران بست. امام حسین(ع) در پاسخ به تهدیدها و درخواست بیعتشان، خطاب به سربازان حر فرمودند: «اگر دین ندارید، لااقل در دنیا پتان آزاده باشید!». روز عاشورا، دهم محرم سال ۶۱ هجری، امام حسین(ع) و یاران فداکارشان در برابر لشکر عظیم و سی هزار نفره عمر بن سعد صف آرایی کردند. از طلوع صبح تا غروب آفتاب، صحنه های بی نظیر فداکاری و شهادت به وقوع پیوست. یکی پس از دیگری، یاران وفادار و خاندان پاک حسین(ع)، به میدان رفتند و در راه دین شهید شدند. حضرت زینب(ص) شاهد این مصائب جانسوز بود و با شجاعتی کم نظیر، از کودکان و زنان حمایت می کرد و برادرش را نیز دلداری می داد. حتی کودک شیرخوار امام، علی اصغر(ع)، نیز در آغوش پدر تیر خورد و به شهادت رسید. سرانجام، پس از شهادت همه یاران و فرزندان، خود سیدالشهدا(ع) با شجاعتی خیره کننده به میدان رفتند و جنگیدند تا آن گاه که به دست شمر بن ذی الجوشن، به درجه رفیع شهادت رسیدند. در این لحظه جانگداز، حضرت زینب(ص) با قلبی مالا مال از غم، اما روحی استوار بر بالین برادر شهیدشان حاضر شدند. ایشان با کلامی آسمانی، مصیبت را به آینده ای روشن برای اسلام پیوند زدند و فرمودند: «خدا یا! این قربانی را از ما بپذیر!». اما شهادت امام حسین(ع) پایان ماجرا نبود، آغاز فصل جدیدی به رهبری خواهرشان، حضرت زینب کبری(ص)، بود.

روضه با چای، شیرین می شود

شنیدنی

معصومه فرمانی کیا! به کسی چیزی نگفته ام؛ تلاش کرده ام این موضوع خیلی به چشم دیگران نیاید، ولی رابطه عجیب و لطیفی بین من و چای برقرار است. این اتفاق ربطی به امروز و دیروز هم ندارد.

برای من، چای عصاره همه خوشی های عالم است که هیچ چیز جایش را بر نمی کند.

به نظرم جای اساسی ترین بنیاد اجتماعی آدم ها از ازل بوده است و تاابد ادامه دارد. بخوام یا نخواهم، شب که می شود، باید زیر کنری را کبریتی روشن کند. قل زدن آب توی سکوت و خلوت، یکی از خوشبختی های دنیا برای من است. تمام وقت های زیاد حساس شدن، زیاد دلگیر شدن، زیاد تنها شدن، زیاد غمگین شدن و... پناه اول و آخرم، استکان های بلورین و شفافی است که بخاری از آن بلند است و ترسم را کم رنگ تر می کند. غم هایم را می شوید و می برد و می توانم دوباره روی پا بلند شوم. اصلا یکی از چالش های بزرگ من و خانواده ام، راضی کردنم برای کم مصرف کردن چای است. خدا رحمت کند همه مسافران رفته از این خاک را، بابا همیشه دغدغه داشت که وقت رسیدن به خانه، چای را بی خیال شوم، بهانه هایش هم دلیل داشت، مگر دکتر گفت مصرف چای را کم کنی؟ کم خونی داری و... ولی خودش هم می دانست که زیر کنری را باید حتما کبریتی روشن کند، حتی اگر به قیمت این تمام شود که استکان های پرشده چای، جابه جا توی سینی بماند و کسی به آن هال نزنند.

چای که نباشد، یک جور حواس پرتی و سرگردانی با من است. به کسی چیزی نگفته ام، اما گاه استکان های چای همان طور لب نزده کنارم ردیف می شوند. دلم به بودنشان خوش و گرم است. برخلاف خیلی از خواسته ها که به بزرگی نمی رسند و فراموش می شوند، این عشق از بچگی با من است. من هم شبیه بچه های دهه های گذشته غالباً توی روضه های امام حسین(ع) همراه مادرم بودم. هر جا که استکان های قشنگ تر و چای خوش رنگ تر می داشت، به گمانم می رسید که مجلس بهتر و با کیفیت تری دارد. شاید دور از باور باشد اما این قیاس کودکانه هنوز هم با من است. همین یکی دو سال گذشته بود که مجلس محرمی دعوتم گرفته بودند یکی از مسجد های حاشیه شهر، همان هایی که حضیبه ها از پنجره هایش آویزان است و پره های پنکه های سقفی، خنکی خوشایندی را دور می دهد و دور می دهد و آدم هوس می کند تکیه به دیوار بدهد و اجازه دهد پلک هایش روی هم بیفتند و دلش حال بیاید. داشتم می گفتم؛ هنوز از راه نرسیده چشم چرخاندم و سینی های بزرگ مسی پر از استکان های بلوری، خیالم را راحت کرد. اهالی به سینی های مسی تاس می گفتند و ذوق من آدم بزرگ، از دید دختر بچه بازیگوشی پنهان نماند که قندهای جلد گرفته در کاغذی توی تاسی را دور می داد. به نظر من آن مجلس روضه چیزی کم نداشت.

چای، نذر ساده آدم های زیادی است که شاید به چشم نیاید اما هنوز هم اول و آخر روضه های امام حسین(ع) به آن ختم می شود که خیلی ها را سر ذوق می آورد، آن هایی که دل بستگی شورمندانهای به آن دارند.

شکر

۱۳شنبه
۱۱ آبان ۱۳۹۴
۱۲ آبان ۱۳۹۴
۱۳ آبان ۱۳۹۴

۱۴



معارف

در گفت وگو با عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، میراث دعایی زین العابدین(ع) بررسی شد

امام سجاده(ع)، مبارزی خستگی ناپذیر

معین

البكاء

آئمه مستقیمی| آنچه از اهل بیت(ع) به عنوان دعا و زیارت و... به یادگار مانده است، درکنار مسیر ایمن و به دور از هر انحراف که برای ارتباط با خدا به ما هدیه می کند، راه ورسم زندگی را هم یادمان می دهد؛ اینکه در هر موقعیت و شرایطی چه باید بکنیم و چه چیز را بر چه چیز ترجیح بدهیم، چنان که صحیفه سجاده‌ی حضرت زین العابدین(ع) سراسر درس زندگی است و به ما یاد می دهد که در ارتباط با گروه های مختلف یا در موقعیت های گوناگونی که با آن ها مواجه می شویم، چه باید بکنیم. در سالروز شهادت امام سجاده(ع) و در بررسی برکات میراث دعایی آن حضرت با دکتر محمدصادق علمی، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی، گفت وگو کرده ایم.

آئمه اطهار(ع) کلید هدایت

قرآن در آیه ۱۸۹ سورة بقره می فرماید، «...وَأَتُوا الثُّبُوتَ مِنْ أَوْنَانِهَا...» یعنی «و به خانه ها از درهای آن ها وارد شوید»، ذیل این آیه در نهج البلاغه، خطبه ۱۱۵۴ (با ترجمه دشتی) امیرالمؤمنین(ع) می فرماید، «ما اهل بیت(ع) ابواب هستیم». در ادامه می فرمایند، «به خانه ها که نباید غیر از درها وارد شد، اگر کسی از غیر در وارد شود، سارق و دزد خوانده می شود»، منظور این است که اگر کسی می خواهد به شهر علم یعنی قرآن و علوم و حیاتی ورود کند، باید از باب آن که آئمه(ع) هستند، ورود کند و این همان ترجمان حدیث نبوی است که فرمودند، «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا».

دعوت به حق از طریق دعا



سالروز شهادت امام سجاده(ع) برای همه ما فرصتی برای تفکر پیرامون میراث به جای مانده یعنی نیایش ها و مناجات های ایشان است. آنچه از اهل بیت(ع) به ما رسیده است، تبیین و تبیان قرآن است و از این نظر برای ما اهمیت ویژه می یابد. آئمه(ع) در ادعیه و زیارات با انسان ها سخن می گویند و خواسته هایشان را بیان می کنند؛ مثل دعوت به اینکه بیایید و ببیدرید و راه ما را طی و از ما حمایت کنید؛ چنان که امام هادی(ع) در آن خفقان سیاسی شدید که نمی توانستند بگویند حکومت را به ما بدهید چون خدا و پیامبر(ص) گفته اند، به جای آن، زیارت جامعه را انشا کردند. حضرت در این زیارت با سلام آغاز و حضرات معصوم(ع) را معرفی می کنند. تعبیر ایشان از آئمه(ع) به «ساسة العباد»، «ای سیاست گذاران بندگان خدا» است؛ این یعنی سیاست باید دست معصوما(ع) باشد. زبان حال و قال ادعیه و زیارات چنین است و پرده از حقایق برمی دارد.

دعایی از زبان معصوم(ع)

فراموش نمی کنم که چند سال قبل در دانشگاه فردوسی، هفته ای یک روز تفسیر قرآن و هفته ای یک روز شرح زیارت جامعه را می گفتم. یکی از استادان گفته بود این زیارت سند ندارد، چرا فلانی آن را شرح می کند. من در پاسخ او در جلسه عمومی گفتم؛ سخنان اهل بیت پیامبر(ص) از نظر فصاحت و بلاغت و محتوا در سطحی است که نیازمند سند و سخن انسان معمولی نیست؛ برای مثال اگرچه برخی در وجود یا قوت سند نهج البلاغه تشکیک می کنند، باید در پاسخ آن ها هم گفت؛ اگر این اثر گران سنگ سخن امیرالمؤمنین(ع) نیست، پس با این سطح از کیفیت و محتوا به چه کسی تعلق دارد؟

قدرت مبارزه طلبی الهی

آیت... العظمی سیدالدین زنجانی از قول استادان خود بیان می کرد، سخنان اهل بیت پیامبر(ص) چنان بوده که می توانستند تحدی(به رقابت طلبیدن) کنند؛ یعنی همان طور که قرآن می فرماید اگر من را قبول ندارید مثل من را بیاورید، اهل بیت(ع) هم می توانستند به افراد معمولی بگویند اگر ما را قبول ندارید، مثل ما سخنانی بگویید. مهم آنکه در نوع و قالب این سخنان، تفاوتی نیست؛ چه دعا باشد، چه زیارت، چه خطبه و چه کلمات قصار، آیت... زنجانی از زبان همان استاد در پاسخ به این سؤال که چرا اهل بیت(ع) تحدی نکردند، فرمودند: «ادباً للقرآن»؛ یعنی اهل بیت(ع) می خواستند جایگاه تحدی اختصاصی قرآن برای خودش باقی بماند و خود از این قدرت استفاده نکردند.

تقویت ایمان و امید بانیايش

امام سجاده(ع) نیز در آن شرایط بسیار خفقان آمیز بعد از واقعه کربلا و غلبه خلفای قلدر و جور بنی امیه، چون نمی توانستند مستقیم و به صراحت معارف ناب اهل بیت(ع) را مطرح کنند، دست به دعا برداشتند و با لسان دعا، مسائل مهم اخلاقی، تربیتی، سبک زندگی و دیگر امور را برای امت و شیعیان مطرح و نیاز شیعه به امید، اخلاق و باید های زندگی را تأمین کردند. اگر قرآن می فرماید «وَلَا تَهْوَئُوا وَلَا تَخْزَئُوا وَأَنْتُمْ الْآغْلُونَ إِنَّ كُنُتُمْ مُؤْمِنِينَ»، دعا های حضرت زین العابدین(ع) هم به ما امید و روحیه می دهد، برای مثال دعای ابو حمزه ایشان -که یکی از شاگردان امام است- دنیایی از معارف را در خود جای داده و در آن، تمام آنچه قرآن خواسته است، وجود دارد.

اولویت سنجی امام(ع) در دعا

از دعا های مهم که برای امروز ما هم بسیار مؤثر و آموزنده است، دعای بیست و هفتم صحیفه سجاده‌ی مشهور به «دعای مرزداران» است. امام سجاده(ع) با بصیرت منحصر به فرد و روحیه حماسی والا، عزت اسلام و مسلمین را در اولویت می دانند و دعای مرزداران را انشا می کنند. امام سجاده(ع) نمی گویند چون بنی امیه، امام حسین(ع) را به شهادت رساندند و آن مصائب را روا داشتند، پس باید در برابر مرزها و مرزداران اسلام بی تفاوت بود، بلکه با غیرت و همیت، دعایی با آن محتوا و ارزش و رادر حششان انشا می کنند. این دعای نغز و با محتوا خصوصاً در این روز های جنگ تحمیلی اسرائیل، برای ما هم بسیار راهگشا و مؤثر است تا از این روز های سخت با عنایت امام زمان(عج) سرفراز بیرون بیاییم و این گوهر گران بهای نظام اسلامی را به صاحب اصلی آن برسانیم.

از خود عبور کنیم

امام سجاده(ع) برخلاف ما که گرفتار مسائل و اختلاف های شخصی هستیم، در دعای بیست و هفتم، صحیفه سجاده‌ی به و در شرایطی که حکومت در دست بنی امیه و خلفایی است که می دانیم چه مصائبی را بر اهل بیت(ع) روا داشتند، هویت و عزت جامعه اسلامی و مرزهای اسلامی را مهم می دانند و نمی گویند حال که حکومت در دست ما نیست، هر بلایی می خواهد بر سر زرمندگان و مرزها بیاید، بلکه ایشان دست به دعا برداشته، برای حفاظت از مرزداران دعا می کنند.